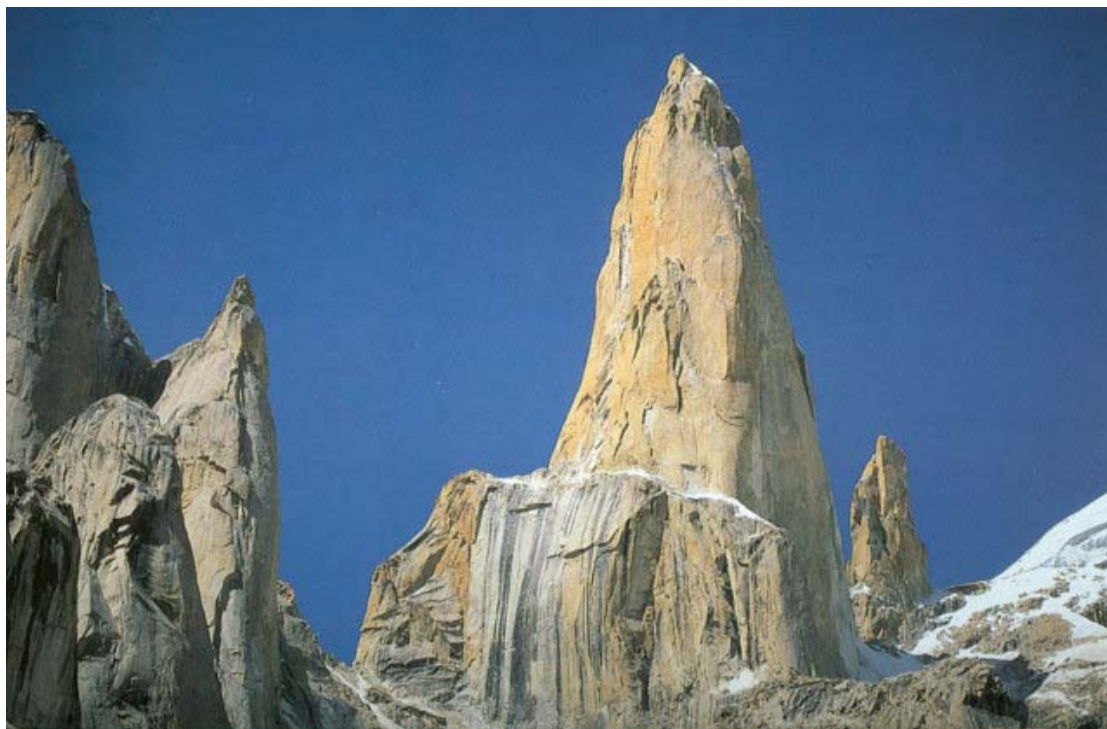


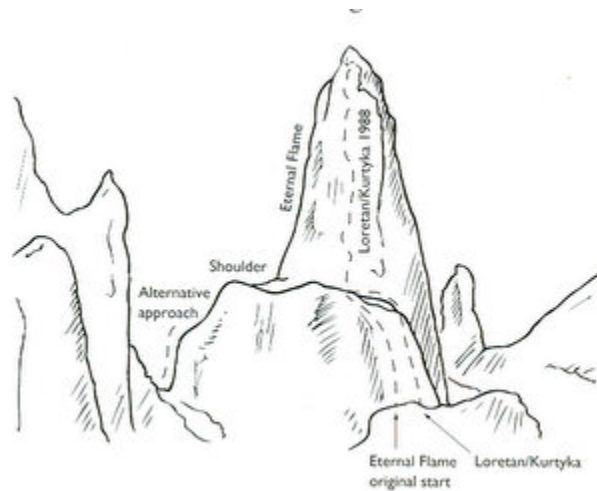
برج ترانگو ۶۲۵۱ متر

گرده جنوبی - شعله ابدی

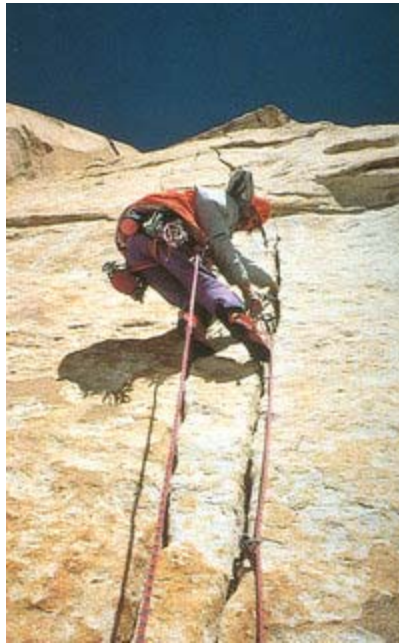
برج ترانگو (Trango) احتمالا بزرگ ترین سوزنی صخره ای در جهان است. اولین کسانی که به سمت قله های بلند قراقوم در یخچال بالترو علیا می رفتند از دیدن آن شگفت زده می شدند، اما این جو براون (Joe Brown)، اسطوره کوهنوردی انگلیسی، بود که در سال ۱۹۵۴ و بعد از بازگشت از اولین صعود برج کوچتر مستاق رویای صعود آن را در سر پرورانید. او ۱۹ سال بعد برای صعود این صخره یکپارچه بازگشت. تلاش آنها ناکام ماند اما در سال ۱۹۷۶ او به همراه مو آنتوان (Mo Anthoine)، مارتین بویسن (Martin Boysen)، و مالکولم هاولز (Malcolm Howells) موفق شد قله رویایی را صعود کند.



برج ترانگو از بارگاه اصلی یخچال دونگ در سال ۱۹۹۲. مسیر کورتیکا/لورتان در این تصویر در وسط برج قرار دارد و کمی سمت چپ آنها مسیر چایلد/ویلفورد (۱۹۹۲) و مسیر اسلوانیایی ها (۱۹۸۷). مسیر شعله ابدی منتهی الیه سمت چپ است. در سمت چپ و کمی بالاتر از وسط برج منطقه ای خاکستری رنگ را می توان به وضوح تشخیص داد که مربوط است به ریزش سهمگین سال ۱۹۹۲. احتمالا امروزه بهتر است برای دسترسی به این مسیرها از سمت مقابل و تا پله سمت چپ برج صعود نمود. (گرگ چایلد)



این صعود نقطه عطفی در صعود دیواره های بلند در همیالیا قلمداد شد اما پیشرفت چنان سریع بود که تا سال ۱۹۹۲ حداقل ۸ مسیر تا قله باز شده بود. مسیر مورد نظر ما شعله ابدی (Eternal Flame) است که در سال ۱۹۸۹ توسط دو تن از توانمندترین صخره نوردان جهان یعنی کورت آلبرت (Kurt Albert) و ولفگانگ گولیچ (Wolfgang Gullich) صعود شد. مسیری که رویای هر سنگ نوردی است؛ صعودهای طبیعی پشت سر هم با بالاترین استاندارد و بر روی صخره های یکدست گرانیتی. مسیرهایی که آلبرت را به یاد جوشوا تری (Joshua Tree) در کالیفرنیا می انداخت. شعله ابدی احتمالاً دشوارترین و زیباترین مسیر روی برج ترانگو است که موقعیت آن در میان بلندترین قله های روی کره زمین واقعا مدهوش کننده است.



گرانیت بی نقص در قراقروم. کورت آلبرت دشوارترین طول "شعله ابدی" را نفر اول می رود ("اسم منو بگو" درجه IX). اگرچه او در کارگاه ها رول کوبیده بود اما هر یک از طولها را به طور کامل با میانی های عادی صعود کرد. (آلبوم ولفگانگ گولیچ/کورت آلبرت)

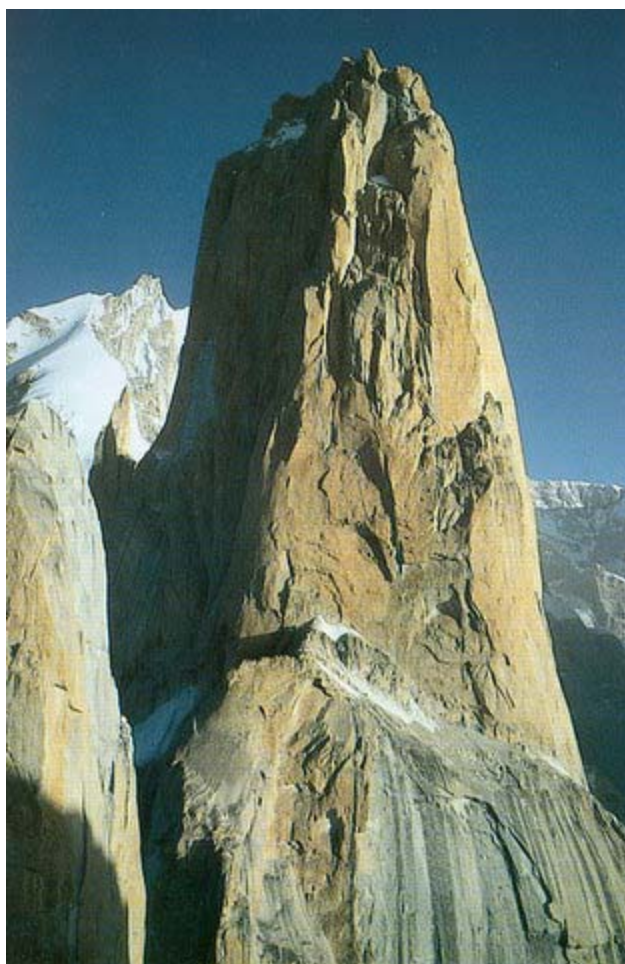
برج ترانگو که گاه آن را برج "بدون نام" (Nameless) نیز می خوانند، فقط قسمت کوچکی از مجموعه ترانگو است. مجموعه ترانگو به تنهایی بیشتر از کل یوسمیتی (Yosemite) صخره گرانیته دارد. در واقع "ترانگوی بزرگ"، در همسایگی آن، از برج ترانگو بزرگتر است، اما کمتر به عنوان یک دیواره متمایز و مشخص از آن یاد می شود. یک گروه آمریکایی به سرپرستی گالن روول (Galen Rowell) اولین صعود قله مرکزی ترانگوی بزرگ را در سال ۱۹۷۷ به انجام رساند. مسیر آنها در سمت جبهه جنوبی از میان چندین شیب راهه یخی و پله های صخره ای مابین آنها می گذشت. درجه سختی مسیر آنها A۱ و VI است؛ مسیر سال ۱۹۸۴ اندی سلترز (Andy Selters) و اسکات وولمز (Scott Woolums) در جبهه شمالی کمی ساده تر است. در مجموع دو مسیر بر روی قله شرقی ترانگوی بزرگ (بالای یخچال دونگ (Dunge)) از بقیه سخت ترند. گرده ۱۹۸۴ نروژی ها ۱۵۰۰ متر (۴۰ طول طناب) ارتفاع دارد، آفتاب کمی بر آن می تابد، و فوق العاده دشوار است - درجه سختی VII و A۴ و استفاده فراوان از اسکای هوک و سر مسی (Copperhead). زوج صعود کننده

قله یعنی هانس کریستین دوست (Hans Christian Doseth) و فین داللی (Finn Daelhi) در بازگشت و احتمالاً بر اثر حادثه ای در زمان فرود کشته شدند. شاید مسیر موازی آنها یعنی سفر بزرگ (Grand Voyage) حتی دشوارتر از مسیر نروژی ها باشد. سفر بزرگ در سال ۱۹۹۲ توسط کوهنوردان سوئیسی ژاور بونگار (Xaver Bongar)، اوئلی بولر (Ueli Buhler)، و فرانسوا استودیمان (Francois Studiman) همراه با کوهنورد کهنه کار یوسمیتی یعنی جان میدندورف (John Middendorf) صعود شد.



عکس راست. کورت آلبرت در یک روز آفتابی کتانی های سنگنوردی اش را می پوشد. (آلبوم ولفگانگ گولیچ/کورت آلبرت). عکس چپ. مارک ویلفورد لباسهای گرم خود را در هوای طوفانی قراقروم پوشیده است. او و گرگ چایلد مسیری جدید در رخ جنوب شرقی صعود نمودند. (گرگ چایلد)

گرده نروژی ها و "سفر بزرگ" احتمالاً دشوارترین مسیرهای دیواره بلند (Big wall) دنیا می باشند. برج ترانگو که کمی کوچکتر است احتمالاً محبوبیت بیشتر خود را حفظ خواهد نمود؛ خوش قواره تر است، تقارن زیبایی دارد و مظهر یک سوزنی صخره ای دور افتاده و فراواقعی است. برج ترانگو نمونه بزرگتر و همیالیایی درو (Dru) در شامونی است.

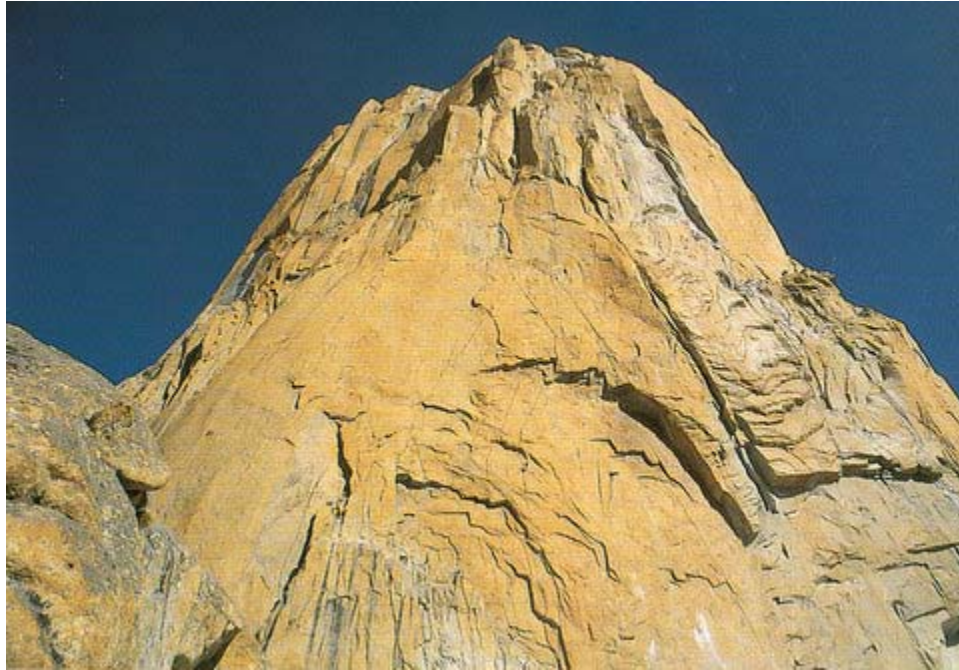


نمای برج ترانگو از ترانگوی بزرگ. مسیر شعله ابدی از برفی که در پای قسمت بالایی برج قرار دارد شروع شده و دقیقاً در مرز سایه و آفتاب این تصویر ادامه می‌یابد. مسیر اسلوانیایی‌ها از مجموعه تنوره‌های کمی سمت راست صعود شده است. مسیر بریتانیایی‌ها در سمت چپ شعله ابدی و در سایه قرار دارد. مسیر سال ۱۹۸۷ سوئیس/فرانسه تیغه جنوب غربی منتهی الیه سمت چپ برج است که در این تصویر دیده می‌شود. و مسیر کورتیکا/لورتان نزدیک منتهی الیه سمت راست. (اندی

سلترز)

اولین تلاش در سال ۱۹۷۵ توسط تیمی به سرپرستی مو آنتوان صورت گرفت. تیم آنها برای دستیابی به پای رخ جنوب غربی از یک دهلیز طولانی از یخچال ترانگو عبور کردند. یک شیب راه پنهان که از چپ به راست متمایل است، آنها را به طاقچه ای برفی، تقریباً در یک سوم ارتفاع دیواره، رساند. مسیر سپس متمایل به راست مستقیماً به سمت یک مجموعه تنوره کاملاً مشخص ادامه می‌یابد. زمانی که بویسن یک طول بدقلق را نفر اول می‌رفت خطر از بیخ گوششان رد شد. او با بدخلقی از آن خاطره یاد

می‌کند: "آمریکایی‌ها به آن می‌گویند یک شکاف بد اندازه؛ من به آن چیز دیگری گفتم!" آن زمان هنوز "فرند" در بازار موجود نبود و بویسن آن شکاف را فقط با یک بونگ (Bong) ۵ اینچی برای حمایت صعود کرد. تقریباً به انتهای آن طول رسیده بود که زانویش در شکاف گیر کرد. بعد از سه ساعت تلاش هراس‌انگیز بالاخره موفق شد با بریدن بخشی از عضلات خود به وسیله یک میخ زانویش را آزاد کند. به دلیل اتمام تدارکات مجبور شدند از صعود دست بکشند.



قسمتی از رخ جنوب شرقی بالای بالکن خورشید. با وجود خطای دید در این تصویر می‌توان عظمت این برج را بوسیله مقایسه مارک ویلفورد که از مسیر اسلوانیایی‌ها در حال فرود است درک نمود؛ نقطه کوچکی درست کمی پایین تر از مرکز تصویر. لکه‌های سفیدی که بر روی دیواره دیده می‌شوند فضله‌های بزرگ پرندگان نیستند بلکه بر اثر ریزش سهمگین صخره‌هایی بوجود آمده‌اند که دو روز قبل از قسمتی خاکستری رنگ در بالای سمت راست دیواره فرو ریخته بودند. تنوره مسیر اولیه بریتانیایی‌ها در سمت چپ قابل تشخیص است. شعله ابدی از کنج رو به چپ شروع می‌شود که در سمت چپ ویلفورد قرار دارد سپس از شکافهای باریکی در دیواره قرمز رنگ بالای ادامه یافته و به گرده‌های بالایی می‌رسد. (گرگ چاپلید)

سال بعد بازگشتند. بویسن آن شکاف را "بویسن پاره پاره" نام گذاشت. بعد از آن به مجموعه‌ای از کنج‌های با زاویه باز رسیدند. بعد از صعود پنج طول دشوار (VI+/A۲) به گردنه قله رسیدند. از آنجا

سه طول ترکیبی دیگر تا قله فاصله بود. بویسن و آنتوان با نصب طنابهای ثابت نفرات اولی بودند که قله را صعود نمودند. روز بعد جو براون (**Joe Brown**) و مالکولم هاوِلز (**Malcolm Howels**) نیز قله را صعود نمودند. مجموعاً بیش از ۲۰ طول با درجه VI یا سخت تر در این مسیر صعود شد که آن را به سرعت در زمره یکی از دشوارترین مسیرهای دنیا قرار داد. ۱۴ سال طول کشید تا این مسیر بار دیگر صعود شود، و این بار به روش سبکبار (در یک حمله و در طی ۴ روز) توسط کوهنوردان ژاپنی به نامهای ماسانوری هوشینو (**Masanori Hoshino**) و ساتوشی کیموتو (**Satoshi Kimoto**). آن دو برای نجات هموطنشان تاکیاسو مینامیورا (**Takeyasu Minamiura**) اقدام به این صعود نمودند. مینامیورا به تنهایی بر روی رخ شرقی یک مسیر جدید باز کرده بود و سعی داشت با پاراگلایدر از روی قله بپرد. اما چترش در فاصله ۸۰ متر پایین قله به صخره ها گیر کرده بود!

مسیر مینامیورا در سال ۱۹۹۰ هفتمین مسیری بود که بر روی برج ترانگو صعود شد. اگر چه مسیر او به صعود مصنوعی تا درجه A۴ نیاز داشت اما دیگران موفق شده اند مابقی مسیرهای دیواره را به صورت طبیعی صعود کنند. در آن تابستان سرشناس ترین ستاره کوهنوردی فرانسه یعنی کاترین دستیول (**Catherine Destivelle**) موفق شد به همراه جف لو آمریکایی مسیر اسلوانیایی ها بر رخ جنوب شرقی را بطور کاملاً طبیعی صعود نماید و خود را به جهانیان بشناساند. از صعود آنها توسط دیوید بریشرز (**David Breashears**) و جیم بریدول (**Jim Bridwell**) فیلمبرداری شد. آنها دنباله رو صعود ۱۹۸۸ بودند که تیم آلمانی کورت آلبرت (**Kurt Albert**)، ولفگانگ گولیچ (**Wolfgang Gullich**) و هارتموت مونشنباخ (**Hartmut Munchenbach**) برای اولین بار مسیر را به صورت طبیعی صعود نمودند. (اولین صعود توسط اسلاو کو کانکار (**Slavco Cankar**))، فرانک کنز (**Franc Knez**)، بوجان اسروت (**Bojan Srot**) در بعضی قسمتها به صورت مصنوعی صورت گرفت؛ طولهای متعدد با درجه سختی VI و دشوارتر و ۶ طول با درجه سختی VIII).

آلمانی ها نگرش کاملاً نوینی را بوجود آوردند. آنها پرورش یافته مدارس قدیمی کوهنوردی نبودند بلکه فقط صخره نورد بودند، از بهترین ها در دنیا، که هنر و توانایی فراوانشان را به ارتفاعات ۶۰۰۰ متری در

قراقروم آورده بودند. در حالیکه بویسن، که خود یکی از بهترین کوهنوردان نسل خود بود، آن شکافها را با کفشهای سنگین کوهنوردی صعود نموده بود، و هر جا لازم می دید از روشهای صعود مصنوعی استفاده می برد، این نسل جدید کوهنوردان مسیر را به طور کامل به صورت طبیعی و با کتانی سنگنوردی صعود کردند. کیفیت در درجه اول اهمیت قرار داشت. به همین دلیل وقتی در حین صعود شکافی باریک را بین مسیر انگلیسی ها و اسلوانیایی ها یافتند که وعده صعودی حتی دشوارتر را می داد، آلبرت و گولیچ تصمیم گرفتند در سال ۱۹۸۹ بازگردند.

آنها نام مسیر را "شعله ابدی" گذاشتند. این نام را از آلبوم موسیقی یک گروه پاپ آمریکایی گرفتند و سپس هر طول مسیر را با نام یکی از آهنگهای آن آلبوم نامگذاری نمودند. مسیر در طی چند هفته صعود شد. از ۴۰۰ متر طناب ثابت بهره بردند و چندین بار به بارگاه اصلی در یخچال دونگ بازگشتند. چهار نفر آنها یعنی آلبرت، گولیچ، کریستف اشتیگلر (Christof Stiegler) و میلان سیکورا (Milan Sykora) ۱۸۰ کیلوگرم مواد غذایی و لوازم فنی را از روی یخچال و دهلیز تا زیر دیواره حمل کردند. صعود قسمت پایینی مشتمل بود بر ۵ طول سنگنوردی و ۶ طول یخ نوردی تا به "بالکن خورشید" رسیدند. و در آن نقطه و در زیر دیواره اصلی بارگاه "گردنه" خود را بر پا کردند. (در سال ۱۹۹۲ درست بعد از آنکه گرگ چایلد (Greg Child) و مارک ویلفورد (Mark Wilford) یک مسیر جدید را بر روی جبهه جنوب شرقی باز کردند قسمت بزرگی از دیواره در پایین پایشان فرو ریخت. ریزش عظیم سنگ در مسیر دستیابی به دیواره در سمت دونگ باعث شد بسیاری از سنگها ناپایدار و مستعد فروریختن شوند. به این دلیل شاید بهتر باشد برای دسترسی به بالکن خورشید از سمت دیگر یعنی یخچال ترانگو صعود نمود.)

تکه لذیذ صعود بعد از گردنه و ۷۰۰ متر انتهایی دیواره است. آلمانها آن قسمت را مرحله به مرحله صعود نمودند به این ترتیب که با نصب طناب ثابت هر روز یک قسمت را صعود می نمودند و شبها به بارگاه راحت گردنه باز می گشتند. آلبرت امیدوار بود که بتواند تمام مسیر را به صورت طبیعی صعود کند. اما در یک قسمت در طول سوم مجبور شد به حرکت آونگ متوسل شود و در انتهای مسیر قسمتی را به روش صعود مصنوعی رد کند (درجه A۲). در بقیه قسمتها مسیر به طور کامل به شکل طبیعی

صعود شد. آلبرت و گولیچ نهایت توانشان را بکار بردند. در همان اوایل کار در طول "دارم خواب می بینم؟" گولیچ سقوط کرد که منجر به پیچ خوردن مچ پایش شد. در نتیجه مجبور شد به بارگاه اصلی برگردد. زمانی که برای حمله نهایی بازگشت برای کاهش درد آسپیرین می خورد و یک کفش سنگین برای محافظت مچ پایش پوشیده بود. در آن موقع دو کوهنورد دیگر برنامه را ترک کرده و به خانه بازگشته بودند و آلبرت تنها کسی بود که نفر اول صعود می کرد. مشکلترین طولها بالای طاقچه ای بود که سال قبل به آنجا رسیده بودند. موفق شد مشکلترین طول میسر، "اسم منو بگو"، که یک شکاف انگشتی بود را صعود کند (درجه IX) ولی به دلیل ۶ روز صعود مداوم بسیار خسته شده بود. در طول "درد رو کم کن" مرتب سقوط می کرد و بر روی طول "نمی خوام این احساسات رو از دست بدم" لحظات دلهره آوری را پشت سر گذاشت؛ در یک نقطه میانی های زیر پایش از شکاف خارج شدند بطوریکه در صورت سقوط ده متر آونگ می شد اما با وجود انگشتان مجروحی که از خستگی باز نمی شدند موفق شد آن طول را بدون سقوط به اتمام برساند.

یک قسمت چشمگیر دیگر درست از لبه گرده ای می گذشت که شیب منفی آن ۲۰۰۰ متر بالای یخچال بود. بعد از آن آلبرت و گولیچ به طنابهای ثابت قدیمی مسیر بویسن رسیدند که در سمت چپ آنها قرار داشت. بعد از صعود ۸۰ متر مسیر ساده دیگر به قله رسیدند.

اصولگراها ممکن است بر آلبرت خرده بگیرند که چرا در تمام کارگاه های شعله ابدی دو تا رول زده بود. اما مزیتی که کوهنوردان بعدی بدست آورده اند بسیار با ارزش است. حال کوهنوردان می توانند در یک حمله و به روش کاملا سبکبار مسیر را صعود کنند چون فقط لازم است گوه و فرند برای میانی ها همراه ببرند. برای کسانی که شیفته دشوارترین صعودهای طبیعی، در ارتفاع بالا، و در محیطی شگفت انگیز هستند شعله ابدی احتمالاً عالیترین مسیر برای رسیدن به قله مشهور ترین برج قراقرم خواهد بود.



ساعت ۴,۵ بعد از ظهر ۲۱ جولای ۱۹۷۷. دنیس هنک (*Dennis Hennek*) با حمایت جان روسکلی اولین کسی است که پا بر قله ترانگوی بزرگ می گذارد. در پس زمینه پیچ و خم یخچال عظیم بالترو را می توان دید که ۴۰ کیلومتر آنطرف تر به قله بزرگ قراقروم ختم می شود. درست سمت راست ترانگوی بزرگ برودپیک قرار دارد. در سمت راست آن قله گاشربروم (*Gasherbrum IV*) با هرم سر تخت خود و سپس قله تیزتر هیدن پیک (*Hidden Peak*) قابل مشاهده است. و بعد از آنها توده عظیم برف قله سیا کانگری (*Sia Kangri*) و بالترو کانگری (*Baltro Kangri*). (گالن روول)

نام	برج ترانگو
ارتفاع	۶۲۵۱ متر
مکان	منطقه بالترو، قراقروم مرکزی، پاکستان
مسیر	گرده جنوبی - مسیر آلمانها (شعله ابدی). ۱۰۰۰ متر صعود ترکیبی و صخره گرانیته. ۷۰۰ متر از گردنه - ۲۲ طول شامل ۸ طول درجه VIII و یک طول درجه IX.
اولین صعود کوه	۸ جولای ۱۹۷۶ از طریق رخ جنوب غربی توسط مو آنتوان و مارتین بویسن (از انگلستان). و به دنبال آنها و یک روز بعد جو بروان و مالکولم هاووز.
اولین صعود مسیر	۲۰ سپتامبر ۱۹۸۹ توسط کورت آلبرت و ولفگانگ گولپچ (از آلمان). (کریستف اشتایگلر و میلان سیکورا در صعود قسمتهای پایین مشارکت داشتند).
ارتفاع بارگاه اصلی	در ارتفاع ۴۱۰۰ متر در کنار یخچال دونگ. اما با توجه به ریزش عظیم سنگ در رخ جنوب شرقی شاید صعود از بارگاه قدیمی انگلیسی ها در یخچال ترانگو امن تر

	باشد.
جاده انتهایی	داسو (جاده تا آسکولی در دست ساخت است).
طول راهپیمایی	تقریباً ۹۰ کیلومتر و ۹ روز از داسو و یا ۴۰ کیلومتر و ۶ روز از آسکولی.
فصل	رخ جنوبی در اواخر تابستان و اوایل پاییز (آگوست و سپتامبر) در بهترین شرایط قرار دارد.
مجوز	وزارت جهانگردی، اسلام آباد
نرخ موفقیت	اکثر هیئت‌های صعود برج با دست پر بازگشته اند. هر سه تلاش برای صعود مسیر اسلوانیایی‌ها در بین سالها ۱۹۸۷-۱۹۹۰ موفق بوده اند. شعله ابدی تا سال ۱۹۹۴ تلاش دیگری را به خود ندیده است.
کتابنگاری	گزارش اولین صعود کوه در کتاب Dark Peak) The Nameless Tower (۱۹۷۷) نوشته جیم کوران (Jim Curran) و توسط مارتین بویسن در مجله ماونتین شماره ۵۲ به رشته تحریر در آمده است. مجلدات AAJ که در زیر ارائه می شوند تمام صعودهای ترانگو تا سال ۱۹۹۲ را منعکس کرده اند: ۱۹۷۷ صفحات ۲۶۶-۲۸۸؛ ۱۹۸۸ صفحات ۲۵۰-۲۵۱؛ ۱۹۸۹ صفحات ۴۵-۴۹ و ۲۵۰-۲۵۲؛ ۱۹۹۰ صفحات ۲۸۵-۲۸۸؛ ۱۹۹۱ صفحات ۲۷۱-۲۷۲؛ ۱۹۹۳ صفحات ۲۵۸-۲۶۶. اولین صعود شعله ابدی در Rotpunkt ، شماره ۱ در ۱۹۹۰ ذکر شده است.